



«مفاسد اجتماعی» در رمان‌های «جعفر شهری»

زهرا ذراتی*

زهرا نصر اصفهانی

چکیده

هر یک از آثار ادبی می‌توانند ابزار بیانی مناسبی برای به تصویر کشیدن واقعیت‌های جامعه و تبیین روابط میان انسان‌ها باشند، اما رمان به دلیل برخورداری از ساختار توصیف و تشریح، در مقایسه با سایر انواع ادبی قابلیت بیشتری در بازتاب نوع زندگی، دغدغه‌ها، آمال و آرزوها و نیز پدیده‌های نابهنجاری چون بی‌عدالتی، اعتیاد، فساد و فحشا، الکلیسم و دیگر مظاهر مفاسد اجتماعی دارد.

جعفر شهری از جمله نویسندگانی است که توجه ویژه‌ی وی به توصیف واقعیت‌های تلخ جامعه خود و ارائه جلوه‌های مستندگونه از مفاسد اجتماعی به ویژه در میان اقشار آسیب‌پذیر جامعه، او را در این حوزه متمایز و برجسته ساخته است.

این مقاله به بررسی موضوع مفاسد اجتماعی و انعکاس و بازتاب آن در رمان‌های جعفر شهری می‌پردازد و ابعاد، آثار و نتایج مفاسد اجتماعی را در این محدوده مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: جعفر شهری، رمان، مفاسد اجتماعی





مقدمه

داستان‌نویس، پژوهشگر فرهنگ عامه و تاریخ‌نگار اجتماعی معاصر، "جعفر شهری" که نام خانوادگی او در اصل شعرباغ و شعری‌باغ بوده است، در آستانه جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۳ ه.ش در محله عودلاجان تهران به دنیا آمد و در سحرگاه ۱۶ آذر ۱۳۷۸ ه.ش دیده از جهان فروبست.

از جمله آثار مطرح وی سه رمان با عنوان‌های «شکر تلخ»، «گزنه» و «قلم سرنوشت» است که در توالی یکدیگر روزگار نویسنده را از کودکی تا میانسالی به تصویر کشیده است. «شکر تلخ» مربوط به دوران کودکی نویسنده و رنج‌های مادر وی، «گزنه» شرح دوران نوجوانی او و «قلم سرنوشت» مربوط به روزگار میان‌سالی اوست. جعفر شهری علاوه بر این سه رمان، آثار دیگری نیز دارد از جمله کتاب‌های «حاجی در فرنگ» و «حاجی دوباره» که لحن انتقادی دارد و در آن نویسنده، خرافات مذهبی را به چالش کشیده است. «تهران قدیم» در پنج جلد و «تاریخ اجتماعی تهران» در شش جلد از دیگر آثار اوست که در آن نویسنده به صورت مشروح و مبسوط به معرفی تهران قدیم و تشریح شرایط اجتماعی آن پرداخته است. «قند و نمک» نیز کتابی جذاب و خواندنی حاوی ضرب‌المثل‌های ایرانی است.

تولد جعفر شهری همزمان با شب تاج‌گذاری احمدشاه بوده است بنابر این دوران حیات او با نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اواخر حکومت قاجار مصادف شده است؛ او به عنوان فردی از آحاد جامعه توانست پدیده‌های تلخ زندگی اجتماعی ایرانیان و دردها و ناکامی‌های آنان را در این مقطع زمانی خاص در داستان‌هایش به تصویر بکشد، بویژه مصادیق و جلوه‌های مفاسد اجتماعی در آثار او بازتابی روشن دارد. جعفر شهری با خلق این آثار نشان داده است که نویسنده‌ای تیزبین و آگاه است که می‌تواند با دیدی انتقادی شرایط نابسامان جامعه و محیط اجتماعی خویش را آنچنان ماهرانه به تصویر بکشد که گویی خواننده آن صحنه‌ها را پیش چشم خویش مجسم می‌بیند. او به تلخی اوضاع و



احوال جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن فرمان هر کدخدایی حکم احکام خدایی دارد، برخی در لباس زهد و تقوی، جان و مال و هستی مردم را معامله می‌کنند و خنجر به کمرها و تفنگ به دوش‌های دولتی گوئی کینه دیرینه با مردم دارند که با قساوت هرچه تمام‌تر به مردم بی‌پناه حمله‌ور می‌شوند و گرفتن و بستن و کشتن و دماغ بریدن و قبضه کردن اموال و مصادره دارایی مردم رفتار متداول آنها شده است.

جعفر شهری با بیان این نابسامانی‌ها صدای اعتراض خود را نسبت به رنج‌ها و دردهای طبقات مختلف جامعه بویژه اقشار محروم و آسیب‌پذیر به گوش مخاطبان خود رسانده است؛ صدای اعتراض او در واقع نماینده ناله دردناک برآمده از نهاد پرسوز و گداز مردم مبتلا به بدبختی، محرومیت و مفاسد اجتماعی است.

در این مقاله ضمن بیان مفهوم مفاسد اجتماعی و مصادیق گوناگون آن و نیز بررسی بازتاب و نمود آن در آثار جعفر شهری به سؤال‌هایی از این قبیل پاسخ داده شده است: مفاسد اجتماعی در آثار جعفر شهری چه مواردی را شامل می‌شود؟ نویسنده در آثار خود بر کدامیک از مصادیق مفاسد اجتماعی تأکید بیشتری دارد؟ این مفاسد در زندگی نویسنده و جامعه معاصر او چه تأثیراتی داشته است؟

در خصوص پیشینه و ضرورت انجام این پژوهش باید گفت: تاکنون پژوهش مستقل و جامعی در خصوص مفهوم و مصادیق مفاسد اجتماعی در آثار جعفر شهری انجام نگرفته است، از این رو با در نظر گرفتن این نکته که آثار این نویسنده بیانگر موضوعات متعدد بویژه مشکلات و مفاسد اجتماعی جامعه ایران در اواخر عصر قاجار است، انجام چنین پژوهشی برای دستیابی به تصویری روشن از شرایط آن روز جامعه ایران و چگونگی متأثر شدن آثار ادبی از آن ضروری به نظر می‌رسد.



فساد

«فساد» در لغت یعنی تباهی و متضاد کلمهٔ اصلاح است، به این ترتیب افساد یعنی تباه کردن و مفسد یعنی تباه‌گر. (ر.ک: قرشی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۴) «مفسده» که جمع آن مفاسد است به رفتاری اطلاق می‌شود که با شرع و دستورات دینی منافات دارد و شایسته است جامعه از آن پاک باشد.

راغب در مفردات فساد را «خروج از اعتدال می‌داند خواه کم باشد یا بیشتر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶)

امام فخر رازی در تفسیر موضوع فساد دو وجه را احتمال می‌دهد: ۱- فساد به معنای اتلاف اموال و تخریب آنها ۲- فساد به معنای شبهه‌افکنی و فتنه‌انگیزی برای تقویت کفر. وی نظر دوم را ترجیح می‌دهد و می‌گوید: افساد همان القاء شبهه است که مقدمهٔ بسیاری از اختلافات است. (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۴۶)

آیت‌الله مکارم شیرازی دربارهٔ معنی فساد و مصادیق آن در تفسیر نمونه می‌نویسد: «هر گونه تخریب و ویرانگری، افراط و تفریط در کل مسائل فردی و اجتماعی و برهم زدن اعتدال و اتحاد میان افراد، مصداق فساد است. در بسیاری از آیات (در بیست مورد) «فساد» با کلمهٔ «فی الارض» همراه است که ناظر به جنبه‌های اجتماعی مسأله است. البته به مفهوم وسیع «فساد» که هر گونه «خروج از حد اعتدال» را شامل می‌شود، این وسعت کاملاً قابل درک است و این معنای وسیع قابل تقسیم به حوزه‌های مختلف است؛ مثلاً هر گونه سوءاستفاده از موقعیت یا قدرت اجتماعی از سوی کارگزاران حکومتی فساد سیاسی است و هر گونه ارتشاء و اختلاس و احتکار و تقلب در اموال عمومی، فساد اقتصادی است. در بیشتر جوامع، زمینهٔ فساد از نظر اقتصادی، فقر است و از نظر سیاسی، حکومت استبدادی است و از نظر اجتماعی و فرهنگی، تقلید از دیگران و نادیده گرفتن ارزشهای اصیل آن جامعه است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۰۲-۲۰۳)



مقوله فساد از زوایا و نظرگاه‌های مختلف قابل بررسی است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرثُ وَ النَّسْلُ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ
الْفَسَادَ». (بقره/۲۰۵).

«و چون برگردد (یا ریاستی یابد) کوشش می‌کند که در زمین فساد کند و کشت و نسل را نابود سازد، و خداوند تباہکاری را دوست ندارد».

یقیناً منظور از این آیه فساد تکوینی یعنی تنازع و فرسوده شدن و سیر طبیعی موجودات و پدید آمدن و از میان رفتن آنها نیست زیرا کسی در آن دخالت ندارد، بلکه منظور فساد تشریحی یعنی فساد است که به دست بشر پدید می‌آید. (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ص ۴۶۳) و بسیار عام و فراگیر است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم/۴۱)

در قرآن کریم خداوند اسراف‌کنندگان را مفسد فی الارض معرفی کرده است: «وَلَا تُطِيعُوا
أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ». (شعراء/۱۵۲-۱۵۱) زیرا از حد اعتدال بیرون شده‌اند. (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۳۳)

در زبان فارسی برای فساد یا خروج از اعتدال معانی مختلفی مانند تباہی، به ستم مال کسی را گرفتن، گزند و زیان، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری، عمل ناشایست و زشت، فسق و فجور، دشمنی و کینه و نیز فتنه و آشوب بیان شده است. کلمه فساد که معادل انگلیسی آن "corruption" است از ریشه لاتینی "rumper" به معنی شکستن یا نقض کردن گرفته شده است زیرا آن‌چه شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند شیوه رفتار اخلاقی، عرف اجتماعی و یا مقررات قانونی باشد. در جوامع انسانی خروج از اعتدال همواره با مفاسد نظیر فساد و فحشا، جرم و جنایت، قتل، سرقت، کلاهبرداری، رشوه‌خواری و انواع مفاسد اخلاقی بروز و ظهور یافته است. فساد مسئله‌ای است که در تمام ادوار تاریخ، از واقعه کشته شدن هابیل به دست قابیل تا امروز گریبانگیر جوامع انسانی بوده و به عنوان معضلی بزرگ



همواره ذهن مصلحان و اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. تمام پیامبران از آدم تا خاتم (ص) بار مسئولیت سنگین دفع فساد را بر دوش کشیده‌اند؛ بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی، سیاسی، جامعه‌شناسی و... نیز از بعد علمی بدان پرداخته و با ارائه تعاریف و تعیین حدود و ثغور آن و نظریه‌پردازی در خصوص آن تلاش کرده‌اند تا گامی در جهت رفع آن بردارند.

به عقیده ماکیاولی، فساد جریانی است که در طی آن موازین اخلاقی افراد سست و فضیلت و تقوای آنان به نابودی کشیده می‌شود و از آنجا که بیشتر افراد ضعیف هستند و عاری از تقوی و پرهیزکاری، امکان بروز فساد در آنها همواره موجود است، مگر زمانی که تحت هدایت و زیر نفوذ یک رهبر بزرگ قرار گیرند. بنابر اعتقاد جرمی بنتام (Jeremy Bentham) فساد سبب می‌شود که رفاه جامعه قربانی نفع فردی گردد. گوناومیردال معتقد است فساد، معنای وسیعی دارد و به شکل‌های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی، اطلاق می‌شود. از دید منتسکیو، فساد سبب می‌شود که یک سیستم سیاسی خوب و صحیح، مانند سیستم سلطنتی، به یک سیستم زشت و ناپسند، یعنی سیستم استبدادی، تبدیل گردد. (ر.ک: عباس زادگان، ۱۳۸۳: ص ۱۴-۱۵)

در طول تاریخ، همواره ارتباط معکوسی بین استفاده صحیح از قدرت و گسترش قلمرو فساد وجود داشته است. هنگامیکه از قدرت به نحو صحیح و مناسب استفاده شود، اثری از فساد به چشم نمی‌خورد.

مفاسد اجتماعی

هیچ انسانی متخلف، مجرم و گناهکار آفریده نمی‌شود بلکه شرایط نامتعادل اجتماعی و اقتصادی فساد را ایجاد می‌کند. آنچه به عنوان یک مسئله اجتماعی حائز اهمیت است شناخت عوامل ایجادکننده این مفاسد است که باید از دیدگاه جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار گیرد. زندگی انسان باید دارای روند طبیعی و متعادل باشد. اگر به هر دلیلی این روند



از تعادل و توازن خود خارج شود، فساد و انحراف اجتماعی آغاز می‌گردد. شرط اصلی داشتن جامعه‌ای سالم و بدون فساد، وجود خانواده‌های سالم، تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش صحیح و رعایت ضوابط اجتماعی بر مبنای عدالت اجتماعی است، در غیر این - صورت فرد و جامعه دچار مشکل می‌شود و هر قدر این مسائل بیشتر در جامعه دوام آورد، پیچیده‌تر و برطرف کردن آن دشوارتر خواهد بود. عامل دیگر در حفظ سلامت فرد و جامعه، وجود انضباط اجتماعی است. این انضباط اجتماعی برای اصلاح اجتماعی و سلامت رفتاری انسانهایی است که در آن زندگی می‌کنند. چنانچه مسئله‌ای پیش آید و این انتظام اجتماعی را بر هم زند، زمینه فساد در آن جامعه فراهم می‌شود و چنانچه پیشگیری و کنترل نشود به صورت ویروس در جامعه گسترش می‌یابد که در آن صورت مهار آن دشوارتر خواهد شد. در واقع فساد اجتماعی هنگامی پدید می‌آید که تعادل اجتماعی - اقتصادی جامعه به هم می‌خورد. (ر.ک: فرجاد، ۱۳۷۷، ص ۱۹۸-۱۹۷)

مقابله با مفاسد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی بدون شناسایی ریشه‌ها و عدم دقت در اتخاذ شیوه‌های مناسب برای برخورد با آن، موفقیت چندانی نخواهد داشت، به عبارت دیگر عدم توجه به عوامل ایجاد کننده مفاسد و مقابله سطحی و موردی با آن هیچ نتیجه عملی در پی نخواهد داشت.

ناهنجاری‌ها و کجروی‌ها در رفتار فرد یا گروه معلول عوامل پدیدآورنده و تشدید کننده آن است و طبیعی است که بدون شناخت دقیق و عمیق این عوامل، نمی‌توان با آن پدیده یا رفتار ناهنجار، برخورد هوشمندانه و عالمانه‌ای داشت؛ البته شناخت این عوامل دشوار است زیرا عوامل مؤثر بر جامعه، گونه‌گونی، پیچیدگی و درهم تنیدگی خاصی دارد، با این حال بیان این موارد و بازتاب آن در متون ادبی علاوه بر آن که روایتگر بخشی از حقایق تاریخی در مقطع زمانی خاصی خواهد بود، می‌تواند در ایجاد آگاهی و حساسیت در میان اقشار مختلف جامعه مؤثر باشد.



جعفر شهری از جمله نویسندگانی است که نابسامانی‌ها و مفاسد اجتماعی در آثار او نمود گسترده و وسیعی دارد، او با تمام وجود این نابسامانی‌ها را در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خویش تجربه کرده و زندگی او تحت تأثیر آن جهت یافته است. سایه سنگین این مفاسد تمام دوران حیات نویسنده را در هاله‌ای از ترس، اندوه و بلا تکلیفی قرار داده است. مفاسد اجتماعی منعکس شده در آثار جعفر شهری بیشتر فساد و فحشا، جرم و جنایت، قتل، سرقت، اعتیاد و کلاهبرداری را در برمی‌گیرد که در ذیل به برخی موارد و مصادیق آن اشاره می‌شود:

۱- مصادیق مفاسد اجتماعی در آثار جعفر شهری

۱-۱- هتک نوامیس

جعفر شهری تراژدی عمیقی از زندگی عادی مردم جامعه در روزگار خویش به تصویر می‌کشد؛ وی از قول زنی از اهالی بیرجند می‌گوید: «حاکم همیشه از این کارها می‌کرد و زن و دخترهای مردم را غلا کرده، در اوقاتی که از حمام درآمده یا شب زفافشان بود، می‌ربود و هیچکس هم قدرت حرف و نقلی نداشت. [جلادهای حاکم] زنها را پستان می‌برند و دخترها را بکارت برداشته، مورد تجاوز دسته جمعی قرار می‌دهند.» (شهری، ۱۳۴۷: ۵۴)

وی از وقایع و فجایعی سخن به میان می‌آورد که در نتیجه هرج و مرج سیاسی در حکومت وقت و قدرت یافتن اراذل و اوباش به وجود می‌آمده است، وی رفتار فاجعه‌آمیز اراذل و اوباش در زمان حکومت عبدالکریم قاسم را چنین توصیف می‌کند:

«قتل‌ها و جنایاتی که کردند نگفتنی است، روزی به قریه ریختند و هفتاد و چند نفر را به جرم ارتجاعیت و ملاکیت دستگیر کرده، بچه‌های آنها را شکم دریده، روده‌های آنها را بیرون کشیده، به گردن مردهایشان افکندند و سر دیگرش را به پشت موتورسیکلت‌ها بسته، آنقدر کشیدند تا پاره پاره شدند و زن‌های عقیف را لخت مادرزاد معکوساً آویخته، موهای



افشان آنها را به نفت آغشته، آتش زدند و خود در جلو آن منظره به جست و خیز و رقاصی پرداختند.» (شهری، ۱۳۴۴، ج اول: ۲۶)

۱-۲- رواج حرفه روسپیگری

روسپی‌گری، از قدیمی‌ترین انحرافات جامعه بشری است که جوامع مختلف همواره به اشکال گوناگون با چهره کریمه و منحوس آن رو به رو بوده‌اند.

جعفر شهری که در جامعه خود به طور گسترده با این پدیده مواجه بوده، به عنوان یک نویسنده واقع‌گرا با بیان خاطرات تلخ خویش در این زمینه، ناگزیر به عریان‌نمایی زشتی‌های جامعه خود می‌پردازد:

«چنانچه در جوانی که همان مشاهده باعث نفرتم از عمل فحشا گردید، زن بدکاره‌ای را دیدم که صاحب‌خانه به افتخارش که توانسته بود از غروب تا نیم بعد از نصف شب صد و هفت مرد راه بیندازد برایش اسفند به آتش می‌ریخت.» (شهری، ۱۳۴۴، ج دوم: ۴۸۰)

وی در جایی دیگر به ماجرای زندگی سه زن اشاره می‌کند که هر کدام به دلایلی قربانی مفاسد اجتماعی جامعه خود شده‌اند و سر از خانه فساد درآورده‌اند: «توران دختر حاج عبدالصمد علاقمند بوده، در ده سالگی عاشق شاگرد نعلبند زیر گذرشان شده، از همدان با او فرار می‌کند و عالم تاج از زحمت زن پدر گریخته، نرگس نیز از برادر آبتن می‌شود تا کارشان به این خانه می‌کشد که با وجود خواستگارهای فراوان هنوز این حرفه را ترجیح می‌دهند.» (شهری، ۱۳۴۷: ۱۷۵)

جعفر شهری در توصیف رفتار یکی از این زنان روسپی به نام عالم تاج می‌نویسد:

«عالم تاج نیز برای تنوع به دست‌افشانی و پایکوبی برخاسته، با پیچ و خمهای شهوت‌انگیز و جنبانیدن پشت و پیش خود در زیر دامن فتری بزرگ و حرکت دادن پیاله‌های لرزانک سینه‌ها و خمار چشمان و لنگه به لنگه انداختن ابروان و چم و خم‌های دلنشین، همراه



بوسه پرانی‌های دمامم به این و آن، آفرین و احسنت مجلسیان را بلند کرده. (شهری، ۱۳۴۷: ۱۷۷)

۱-۳- فساد اخلاقی مردان

شخصیت اصلی زندگی و آثار جعفر شهری پدرش میرزا باقر بوده است که خصوصیتی چون حرص و طمع، زن‌بارگی و شهوت‌پیشگی و داشتن خوی حیوانی از ویژگی‌های بارز او به شمار می‌آمده است. میرزا باقر در طول زندگی نکبت‌بار خود با زنان بسیاری روابط نامشروع برقرار می‌کند و دست تعرض به سوی آنان می‌گشاید. جعفر شهری از قول خاورخانم یکی از زنان میرزا باقر در توصیف شخصیت فاسد و لاپابالی او می‌نویسد:

«گفته بود: از هرزگی او به ستوه آمده، رسوائی کارهایش محله را پر کرده است. زنی نمانده که به دکان او رفته، متلک نشنیده و دستمالی نشده بیرون آمده باشد و شبی نه که خودش هوشیار به خانه آمده باشد. تمام دکان را نسیه به زنهای خوش آب و رنگ داده است و برای چند تنشان که بگو و بخند داشته‌اند، مقرری جنس روزانه گذارده است. از جمله مقرری‌بگیرها زن سی و چندساله سیاه چشم بگو و بخندداری بود که همه روزه اجناس مورد حاجتش را بدون پول دریافت می‌نمود و دوقران نیز دستی می‌گرفت. روزی استاد عبدالله [شوهر آن زن] در سرکار طراز لازمش می‌شود که با خود نبرده بوده است و به خانه برای بردن آن باز می‌گردد و از پنجره پدرم را می‌نگرد که بر روی جنبش می‌خورد و آنگاه حالیش می‌شود که رفاقت و لوطی‌صفتی و بریز و پباش دوستش به چه منظور بوده است! خون چشمانش را گرفته، بیل اسپره‌ای کنار باغچه را به چنگ آورده، خود را به اتاق می‌افکند و چنان به جان او می‌افتد که تقریباً نعشش را بیرون می‌- کشند.» (شهری، ۱۳۷۲: ۲۲۲-۲۲۷)

۱-۴- فساد اخلاقی و سوء استفاده مالی حمله‌دارها



در زمان جعفر شهری فساد در تمامی اقشار جامعه رسوخ کرده بود و هر شخصی با هر منصبی به سوء استفاده از مال و ناموس مردم می‌پرداخت، در این میان حمله‌دارها که بایستی امین جان و مال و ناموس مردم باشند، هم دستی بر آتش داشتند و در تعرض به ناموس و اموال مردم کوتاهی نمی‌کردند. وی در توصیف رفتار یکی از این حمله‌دارها می‌نویسد:

«برای مثال یکی از حمله‌دارها که خودش هم بد نیست و جوان است، یک حاجیه خانم بیست و پنج سی ساله را با قافله‌اش حرکت داده، حالا صاحب این زن چطور دیوٹی را به خود خریده، این زن تنها را با این مرد گردن کلفت فرستاده کاری ندارم، مطلب سر این است که این حمله‌دار، هفتاد و چند نفر حاجی خود را به راه خدا رها کرده و از صبح تا شب و از شب تا بعد از نیمه شب دنبال این حاجیه خانم است که به کارهایش رسیدگی کند و حرمش ببرد و از حرمش بیاورد و حمد و سوره و کارهای دیگرش را درست کند و خلاصه همه کار و زندگیش را رها کرده، این حاجیه را چسبیده است جلو ولنگاری مردم را نمی‌شود گرفت، [مردم] برای آن حمله‌داری که پول حاجی‌ها را می‌گیرد و به جده که می‌رسد، می‌زند به چاک و همه را سفیل و سرگردان می‌کند، مضمون کوک می‌کنند و برای آن حمله‌داری هم که به اسم شرکت، همه سرمایه یک نفر را که هفتاد هزار تومان بوده، می‌گیرد و می‌گوید این کار هم ثواب است و هم تجارت و او را اغفال و از ته کر می‌نشیند که الان دو سال است بنده خدای صاحب پول از دق سرمایه به باد رفته - اش در بستر بیماری افتاده، مضمون کوک می‌کنند.» (شهری، ۱۳۴۴، ج اول: ۱۷۵-۱۷۶)



۱-۵- هر ج و مرج بابی گری

یکی از موضوعات اغتشاش برانگیزی که جعفر شهری در روزگار خود با آن مواجه بوده، بابی گری و فتنه‌ها و آشوبهای ناشی از آن بوده است که اختلاف عقیده موافقان و مخالفانش و نیز سوء استفاده برخی افراد سودجو از این اوضاع نابسامان فتنه‌هایی در آن روزها به وجود آورده و جان و مال مردم را به مخاطره می‌انداخته است:

«هر کاسب که با نام بابی او را صدا کنند، دکانش به غارت رفته، خودش قطعه قطعه گردیده، خانه و زندگانی‌اش به آتش کشیده می‌شود و هر کس توقعی از کسی داشته، برنیامده، وصله بابی گری به او چسبانده، جان و مالش را مال الله قرار داده، نابودش می‌نمایند و وای به حال کسانی است که در مظان این اتهام واقع شوند. آن کسی که قالیچه‌های گرانبهای خود را در چراغانی نیمه شعبان به دست اراذل نسپرده، متهم به بابی گری شده، در یک ساعت خانه و کاشانه‌اش به یغما می‌رود.» (شهری، ۱۳۴۷: ۲۲۲)

جعفر شهری از قول شیخ اکبر مسئله گو یکی از معرکه گیرهای مخالف می‌گوید:

«از طرف خودم و خدا و پیغمبرم بر این میرزاغلامعلی دوافروش سگ بابی خیابان ناصریه‌ام لعنت!

که با این جمله یکباره خون در رگهای جمعیت به جوش آمده، چون سیل بنیان کن راه خیابان ناصریه و راه دکان میرزاغلامعلی دوافروش را در پیش می‌گیرند و در چیزی کمتر از نیم ساعت تمام اموال و اثاثیه‌اش را غارت کرده، دکانش را به آتش می‌کشند.» (شهری، ۱۳۴۷: ۲۲۷)

۱-۶- قتل عام مردم و غارت اموال آنان از سوی عوامل حکومتی



قتل عام مردم و غارت اموال آنان از جمله رفتارهای متداولهیات حاکمه در آن روزگار بوده است از این رو جعفر شهری در موارد متعدد و به شیوه‌های مختلف آن را به تصویر کشیده است:

«یکی از کشتارهای سرتیپ امیراحمدی در جنگهای لرستان بیش از هیجده هزار بود که حدود ده هزار تنشان را با سوزاندن کشته بود و بیش از صد و چهل هزار گر که در جابجا کردن و اسارت نابود شدند و از غارت و چپاول که سربازانش دست را به خاطر دستبند و گوش را به خاطر گوشواره می‌بریدند.» (شهری، ۱۳۸۲: ۲۹۰-۲۹۱)

ویحکایت‌های بسیاری در مورد قساوت و سنگدلی حاکمان و عوامل آنان بیان می‌کند و صحنه‌های دلخراشی از اعمال و رفتار آنان را به تصویر می‌کشد:

«جلادهای حاکم به ده می‌ریزند و از اول آبادی به قتل عام برخاسته، مردها را از دم شمشیرها گذرانده...» (شهری، ۱۳۴۷: ۵۴)

جعفر شهری در مورد سرنوشت سربازی که از ظلم اعضای گروهان خود به فرمانده گروهان اعتراض می‌کند، می‌نویسد:

«در این نمونه که از گروهان راهسازیمان که یکی به همین خاطر به ارکان حرب (ستاد در ارتش) کاغذ نوشته بود و فرماندهش مؤاخذه و چهل و هشت ساعت در گروهان توقیف شده بود، ابتدا مرگ موش در غذا به خوردش داده بودند و سپس تا قضیه لوٹ نشود نفت لامپا (چراغ نفت‌سوز) را به سرش ریخته، آتشش زده بودند و با یک صورت مجلس ساختگی که خود کشی کرده، ماست مالی و تمام شده بود.» (شهری، ۱۳۸۲: ۲۳۵)

فساد مالی عوامل حکومتی نیز از دیگر مواردی است که جعفر شهری به بیان آن می‌پردازد:

«بعدها نیز این مسئله را به کرات دریافتم؛ میرزا علیخان مفتش تأمیناتی داشتیم که می‌گفت ما دزدها را خودمان مأموریت سرقت می‌دهیم اما هرگاه به گیر افتند بیش از دیگرانشان



تنبیه می‌کنیم. در خدمت سربازی رشوه‌بده‌ها را هر وقت نمی‌دادند بیشتر می‌زدند.» (شهری، ۱۳۷۲: ۷۳)

وی در توصیف فساد مالی عوامل حکومتی از زن بی‌پناهی سخن می‌گوید که اموال همسر مرحومش مورد دستبرد افراد حکومتی قرار گرفته است:

«زنی که شوهرش را از دست داده بود بیش از غم شوهر بر سرو رویش می‌زد که پول‌های جیب شوهرش از بین رفته است! می‌گفت قالی‌هایشان را که فروخته‌اند پولش را خودش در جیب قبای شوهرش گذارده، درش را دوخته است. می‌گفت: امنیه‌ها که عقب جنازه‌ها رفته‌اند از جیبش در آورده‌اند.» (شهری، ۱۳۷۲: ۲۱۴)

۱-۷- شرابخواری

جعفر شهری از شرابخواری مفرط و میخواری در طبقات مختلف اجتماعی حتی در میان افراد ظاهرالصلاح پرده برمی‌دارد و آن را به تصویر می‌کشد، او از امام جماعتی می‌گوید که «در خلوت عروسی پسر شاهزاده مویدالدوله اولین جام شراب را به سلامتی داماد او نوشید و اولین رقص مستانه را با آن ریش چهار قبضه و شکم حامله نما به انجام رسانده، ...» (شهری، ۱۳۴۷: ۶۵)

از نظر شهری شرابخواری یکی از عناصر مهم در ایجاد بزهکاری‌های اجتماعی به شمار می‌آمده از این رو وی در قسمت‌های مختلف رمان‌هایش به طور مفصل به بیان آن پرداخته است.

«وقتی ظهر شد به رستوران فروشگاهی رفته، نصفی مرغ گرفته، مثل سایرین با نوک دندان‌های جلو به طوری که لب‌هایم آلوده نشود به دهان گرفتم، اما وقتی برای رفع تشنگی به تقلید از یک مرد عینکی لیوان مایعی به رنگ سینالکو از پیرزن فروشنده خواستم و به سر کشیدم دیدم ود کالایم است که با صرف آن نصف دیگر حاجی کریم هم که باقی مانده بود باطل شد و پاک کافر مطلق شدم.» (شهری، ۱۳۴۴: ج دوم، ۲۶۹-۲۷۰)



۱-۸- فساد اخلاقی و مالی متظاهرين به زهد و تقوی

سوء استفاده از مقام و منصب بویژه جایگاه شرعی و موقعیت مذهبی همواره در طول تاریخ وجود داشته و در متون ادبی و عرفانی هم اشارات فراوانی بدان شده است. در روزگار حیات جعفر شهری به دلیل نابسامانی‌های اجتماعی شاید این امر شدت و حدت بیشتری داشته است و سوء استفاده از لباس زهد و تقوی شیوع بیشتری که وی از قول مادرش، کبری می‌گوید: «به غیر از این که نقشه پدر سوختگی زیر کلاه و عمامه شون می‌کشن کار دیگه از دستشون برنمی‌آد.» (شهری، ۱۳۴۷: ۳۸۶) وی در توصیف فساد مالی و اخلاقی یکی از این افراد می‌نویسد:

«قبل از همه شیخ ابراهیم با مهمیزی که به اسب نواخت خود را به کجاوه مادر محمد [مادر عزت] رسانیده، با یک حرکت از زمین به زمین جسته، تنگ قاطر او را بریده، کجاوه و سرنشینانش را سرنگون ساخت و با اطلاعی که از محل موجودی آنها به هم رسانیده بود و کیسه‌های پول و اسکناس را از میان انبانه‌های گندم و مغز هسته‌ها بیرون کشیده، در جیب و بغل نهاد و سپس چون شیر گرسنه‌ای که به خرگوش شلی حمله‌ور شود معصومه را از آغوش مادر که از ترس جان چون پستان به سینه او چسبیده بود، به بغل گرفته با خود در کنار جاده، به گودالی کشید!» (شهری، ۱۳۴۷: ۱۲۲)

و باز درباره فرد ظاهرالصلاح دیگری که در میان مردم به زهد و تقوی شهره بوده، می‌گوید:

«روزی یکی از فراش‌ها به نام مختار بیک که در میان همگنان به زهد و تقوا مشهور و در معاشرت مردم تا بهتر بتواند از رذالت باطن و خبائث ذاتی خویش استفاده نماید، گرگ در لباس میش درآمده، همواره با تسیح صدوسه دانه چوب کهری که تا میچ پایش می‌رسیده، حرکت می‌کرده، همیشه دائم‌الذکر و صلوات بوده است عاشق بچه سیگارپیچ یکی از توتون فروش‌ها می‌شود و در جواب تمنای او پسرک از وی خواهش خری مصری با پالون یراق منگوله رنگی می‌کند.» (شهری، ۱۳۴۷: ۱۲۶)



۹-۱- دزدی و تقلب فروشندگان و کشاورزان

فریبکاری و تقلب کسبه و اهل بازار از دیگر مواردی است که از چشم نقاد جعفر شهری دور نمانده است بخصوص آن که او خود مدتی با صاحبان مشاغل مختلف مأنوس بوده و برای آنان شاگردی کرده است، وی دربارهٔ مشهدی سیف‌الله که در مغازه‌اش به شغل قصابی مشغول بوده و نیز چند نفر از بازاریان دیگر که از نزدیک شاهد اعمال و رفتار آنان بوده، می‌نویسد:

«جلوه‌دادن گوشت و کارد بر آن‌ها زدن و آشغال و استخوان را کجای گوشت قرار دادن که مشتری نفهمد را تعلیم نمود و [مشهدی محمود کباب‌پز] هر چه به دستش می‌آمد از گوشت و پوست و غدد و غضروف و لثه و مدفوع و مطبوع به زیر ساطور گوشت خردکنی‌اش می‌گذاشت... بوی گند گوشت‌ها را با آب پیاز و نمک و فلفل و تخم مرغ رفع می‌نمود. رندیدهٔ پوست هندوانه و پختهٔ شکمبه نیز از زوائدی بود که جهت صرفهٔ پیاز و گوشت به قیمة کباب اضافه می‌نمود. کاری بود که از آن آلوده‌تر ندیده بودم.» (شهری، ۱۳۷۲: ۱۵۷-۱۵۸)

وی در مورد تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان محصولات کشاورزی هم می‌گوید: «در مکه یک پرتقال ارزانتر از دو ریال به دست مصرف‌کننده می‌رسد و ما باید در آن مملکت [ایران] که عالی‌ترین استعداد فلاح و کشاورزی را دارد، پرتقال یکی پانزده ریال و سیب عددی پنج شش ریال بخوریم، دیدم واضح است باغدار ما از وقتی که صندوق را در باغ در پای میوه می‌گذارد در نقشهٔ دزدیدن و گندم‌نمایی و جوفروشی است تا میوه فروش و بقالی که بخواهد آن را در دسترس مردم بگذارد.» (شهری، ۱۳۴۴: ۳۲۱)

۱۰-۱- قتل خواهر و مادر توسط برادران

جعفر شهری در سراسر رمان‌هایش به بیان لأبالی‌گری‌های پدرش می‌پردازد اما این رفتار گاهی به جای باریک ختم می‌شد و مرگ زنان و دخترانی را در پی داشت که در این



رابطه نامشروع مشارکت داشته‌اند. نکته‌ای که در این جا حائز اهمیت است این که در صورت انجام اعمال منافی عفت آیا افراد ذکور خانواده حق دارند بی هیچ پرسش و پاسخی و بدون برگزاری هیچ محکمه‌ای حکم مرگ برای مادر یا خواهر خود صادر کنند!

«زری که از همان اولین فریاد میرزاباقر به کنه موضوع پی برده، مرگ را در اندام خود به منزله جامه تنگی احساس می نمود در حالی که فرط وحشت، سفیدی و پریدگی رنگ صورتش، موهایخرمائی سرش را سپید کرده، بندبند وجودش را به صدا در آورده، داد مظلومیت داده، خدا خدا می نمود - چنانکه گوئی آن عشق را به همان بها خریده بود - بدون آنکه کلمه‌ای به زبان آورده، به چهره هیچ یک از مادر و دو برادر نظر افکند، خود را تسلیم مقدرات نمود که ناگهان آماج سر پنجه کفش سنگین مرتضی که به شکمش اصابت نمود، گردیده با ناله خفیفی که از حلقومش بیرون آمد، نقش زمین گردید و بلافاصله دستمال محسن از جیبش بیرون آمده، در گلویش فرو نشست و دست و پایش را گرفته، او را توی چاله‌ایکه در آن کود و کثافات باغ ذخیره می گردید، افکنده، مستی زباله و نجاسات بر جسدش انباشته، با جمله مرضیه که بدرقه راه دختر ناکام به این مضمون گردید: «این جزای دختری است که به مادر خیانت کند» روانه اتمام کار میرزا باقر گردیدند..... می باید هر چه زودتر دو برادر به عهد خود وفا کرده، مادر سنگدل را که پیرانه سر به خاطر عشق ناپاک و انتقام با آن قساوت جگرگوشه خود را روانه دیار نیستی نموده، آن دو را وسیله اطفاء آتش کینه جوئی خویش ساخته است به سزای عمل برسانند و از این رو با یک اشاره به سروپای مرضیه چسبیده، او را در قعر چاه افکنده، پا به گریز نهادند.» (شهری، ۱۳۴۷:۳۳۹)

۱-۱۱- اعتیاد و استعمال مواد مخدر

جعفر شهری زمانی که در مورد مصرف مواد مخدر سخن می گوید، روی سخنش با بیشتر افراد جامعه است، گویا اعتیاد در عصری که او زندگی می کرده، شیوع چشمگیری داشته است. وی در بیان خاطرات خود هنگام ملاقات با یکی از درویش‌ها می گوید:



«وقتی درویش از قصدم آگاه شد که برای دیدن کرامات او رفته‌ام، گفت: درویش نیازش برسد، دو تومان درآورده با احترام جلویش گذاردم. منقل آتش و وافور و نعلبکی تریاک جلویش و قهوه جوش سیاه چائیش پهلوی منقل بود، رو به من کرده گفت: درویش تا خستگی در کنی فقیر مولا دمی تازه کند، آن گاه به من نفس دراویش پاک سرشت را نشان بدهد، جواب دادم: نفس حق است. وافور را کنار آتش گذارده، گرم کرد و بستی تریاک چسبانیده و آتش را به نزدیکی همسر نمود و دودش را در دهان فشرده و با نفس عمیقی آن را به طرف دیوار مقابلش روانه کرد.» (شهری، ۱۳۴۴، ج اول، ۲۴۸)

و البته این رویه در مورد سایرین هم مصداق داشت: «[حاجی ابوالقاسم و عمو حیدر] چون بی‌کار و بیهوده نشستن آنها در «سر چراغ» خانه و اول دشت شب صورت خوشی نداشت قوری چای و منقل آتشی و نعلبکی تریاک خواسته، به عذر آن که انتظار دیگر رفقا را می‌کشند پیر مرد مستخدم را مرخص نمودند...» (شهری، ۱۳۴۷: ۱۷۴)

نتیجه‌گیری

جعفر شهری در رمان‌هایش به تشریح فرهنگ، افکار و اعتقادات، آداب و رسوم و شیوه متداول زندگی مردم روزگار خود پرداخته‌ها مهارتی خاص، نابسامانی‌های جامعه و مفاسد اجتماعی و فرهنگی رایج در آن را به تصویر کشیده است. وی بر این باور است که نویسنده متعهد برای آگاهی بخشی و ایجاد حساسیت ناگزیر است مصادیق مفاسد اجتماعی همچون فقر، بی‌عدالتی، اعتیاد، فساد و فحشا، الکلیسم و دیگر مظاهر ننگ‌آور آن را صادقانه بیان کند شاید از این طریق بتوان به راه حلی مناسب برای رهایی از نابسامانی‌های اجتماعی دست یافت.

جعفر شهری در انتخاب خود شخصیت‌های داستانی را برمی‌گزیند که از خود، انگیزه‌های حیوانی قوی‌تری همچون حرص، شهوت و خوی حیوانی بروز می‌دهند. این تپهای فرودست اجتماعی، از یک‌سو مقهور شرایط فیزیکی خود هستند و از سوی دیگر، به واسطه جایگاه ضعیف اجتماعی خویش، چون تابعی از متغیرهای اجتماعی عمل می‌کنند.



شهری از زمان‌هایی می‌گوید که در آن هنوز مردم تقویم تاریخ خود را گرد رخدادهایی بزرگ چون شقه کردن، در تنورسوزاندن، دست‌بریدن، چشم درآوردن و به چهار میخ کشیدن توسط عوامل حکومتی سپری می‌کردند و اگر در آنجا باز، از ترس همین قانون دست و پا شکسته نیم‌بند مشروطه و سر و صدای چهار تا بقال و چغال به نام وکیل، تا اندازه‌ای مردم در امنیت و آسایش به سر می‌بردند در خارج از مرکز همان فجایع زمان استبداد و شاید هم به شدت هر چه زیادت‌تر حکم‌فرما بود و به قدر خردلی سیطره قانون به خارج از شعاع دروازه‌های تهران به چشم نمی‌خورد.

جامعه‌ای که جعفر شهری آن را طرح کرده است جامعه ایران آخر قاجاریه است و مفسد اجتماعی زیادی از امردبازی و عرق خواری گرفته تا قتل و غارت و... که منجر می‌شد به جامعه‌ای پر از خرافه و فساد و تباهی.

فهرست منابع

- ۱- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ه.ق) المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دارالحلم الدارالشامیه، بیروت
- ۲- شهری، جعفر (۱۳۴۴)، حاجی در فرنگ، تهران: انتشارات صائب
- ۳- _____، _____ (۱۳۴۷)، شکر تلخ، تهران: نشر روز
- ۴- _____، _____ (۱۳۸۲)، قلم سرنوشت، چاپ سوم، تهران: معین
- ۵- _____، _____ (۱۳۷۲)، گزنه، چاپ دوم، تهران: معین
- ۶- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ه.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم
- ۷- عباس‌زادگان، محمد (۱۳۲۸)، فساد اداری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی



- ۸- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۷)، بررسی مسائل اجتماعی ایران: فساد اداری، اعتیاد، طلاق. انتشارات اساطیر
- ۹- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر، چاپ سوم، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت
- ۱۰- معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی معین، چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات امیر کبیر
- ۱۱- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپخانه آفتاب.

Abstrac

Each literary works can be a tool to express the realities of society, so that

we can describe the events of surrounding world and the relationship between humans from the text.

So the novel, because of this capability, is the best option to reflect the lives, concerns, desires, bad effects such as injustice, addiction, prostitution, alcoholism and other effects of each period of time.

Jaafarshahri was one of the authors who interested in describe his community and effects of social documentary and darkness of corruption, particularly among vulnerable groups.

This paper explores the concept of social evils according to jafarshahri's ideas in his books and with a general planar dimensions and examines the effects of social evils.